

نقدی گذرا بر نمونه هایی از ترجمه انگلیسی قرآن کریم

شمس الدین نوری نجفی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

ترجمه به معنی تجزیه، تحلیل و درک متن و مفهوم زبان مبدأ و برگرداندن آن به زبان دیگر و ایجاد متن جدیدی در زبان مقصد می باشد. نیاز به ترجمه جهت شناخت جوامع و فرهنگهای مختلف و لزوماً آشنایی و درک زبان آنها، نیازی ضروری و روز افزون است. آشنایی با مشکلات ترجمه از جنبه های نظری، لغوی و ساختاری برای مترجم اصلی اجتناب ناپذیر است. یک ترجمه خوب دارای خصوصیتی است که مهمترین آنها فهم و انتقال دقیق اندیشه و پیام مؤلف می باشد. مترجم کتابهای مقدس و متون مذهبی، علاوه بر رعایت این خصوصیات و دارا بودن ویژگیهای یک مترجم خوب، باید دارای اطلاعات مذهبی و فلسفی کافی باشد تا در ترجمه آنها به زبان دیگر دچار مشکل نشود. قرآن کریم متنی زنده و کلام خداوند است؛ بنابراین اشتباه در ترجمه متن و تغییر و تحریف مفاهیم آن، به مفهوم و پیام مؤلف خدشه وارد می کند و خوانندگان ترجمه در زبان مقصد را دچار اشتباه خواهد کرد. شناخت نکات دستوری و معنایی به کار رفته در زبان عربی و متن قرآن، و به طور کلی آشنایی با زبان قرآن برای مترجم آن امری لازم و ضروری است. لذا نگارنده این مقاله پس از بحث و بررسی در مورد فرایند ترجمه به طور اعم و تحلیل نکات زبانی به کار رفته در قرآن کریم به طور اخص، نمونه هایی از آیات قرآن و ترجمه های مربوط را همراه با نقد و بررسی آنها ارائه می کند که امید است مفید واقع گردد.

کلید واژه ها: زبان، ترجمه، قرآن، زبان مبدأ، زبان مقصد، معادل یابی، مشکلات ترجمه، مترجم

تعاریف

زبان و نقش آن: زبان وسیله‌ای برای ارتباط است و مطالعات انجام شده درباره ماهیت و نقش زبان بشری نشان داده است که اولین نقش و وظیفه زبان، انتقال پیام به دریافت کننده می باشد.

ترجمه: ترجمه یعنی برگرداندن پیام، کلام و یا متن از یک زبان به زبانی دیگر.

تجزیه و تحلیل

زبان عبارت از کلام و متن است. کلام تمامی عناصر مربوط به انتقال پیام و برقراری ارتباط را دارا می باشد؛ در حالی که متن تحقق صریح و آشکار کلام است؛ اما گوینده یا مؤلف می خواهد که شنونده یا خواننده با استفاده از پیش فرضهای مفهومی، مثل عناصر موقعیتی مربوط و یا علم و آگاهی زمینه‌ای، کل پیام را تحلیل و تفسیر نماید.

کلام دارای سطوح مختلفی می باشد: ۱- شکل؛ ۲- معنی؛ ۳- منظور یا مقصود.

شکل شامل ساختارهای آوایی، لغوی، دستوری و نیز ویژگیهای سبکی می باشد که مختص هر زبانی است.

معنی، اشاره به درک و مفهومی دارد که از اجزای جمله یا عبارت بر می آید.

معنی، مقوله‌ای عمومی و همگانی است.

مقصود، همان منظور و پیام ارتباطی است که مورد نظر گوینده یا مؤلف می باشد

و می خواهد آن را به شنونده یا خواننده منتقل نماید.

ترجمه طبق تعریف فوق شامل دو مرحله کلی است:

الف- مرحله اول: ترجمه، تحلیل و تفسیر کلام و متن و مفهوم آن در زبان مبدأ است تا تمامی سطوح مختلف، شکل، معنی و مقصود آن درک و شناسایی شود؛
ب- مرحله دوم: ترجمه ایجاد متن جدیدی است که همان پیام را در زبان مقصد به دریافت کننده‌های آن منتقل نماید.

معادل‌یابی

معادل کلمه یا جمله‌ای، یعنی مفهوم نزدیک به گونه اصلی آن. البته یافتن یا تولید معادلی کاملاً عین نوع اصلی در زبان مقصد غیر ممکن است
معادل سه نوع است: ۱- ظاهری (شکلی)؛ ۲- معنایی؛ ۳- تخصصی یا ارتباطی.
یافتن معادلی که تمامی سه سطح فوق را دارا باشد، امری ایده آل است، اما در عمل ممکن نیست. بنابراین مترجم باید ابتدا به معادل ارتباطی دست پیدا کند؛ سپس سعی نماید مجموعه اطلاعات صریح و ضمنی (آشکار و نهان) متن اصلی را با بیانی طبیعی و واضح به زبان مقصد منتقل نماید و در پایان در صورت امکان، به زیبایی شکلی و ویژگیهای سبک نگارش بپردازد.

یک ترجمه خوب ترجمه‌ای است که عین پیام را به طور صحیح، طبیعی و واضح منتقل نماید؛ از این رو ویژگیهای یک ترجمه خوب به ترتیب اولویت عبارت است از: الف- صحت؛ ب- طبیعی بودن؛ ج- وضوح؛ د- تطابق شکلی و ظاهری.

از بین این ویژگیها تطابق شکلی، یعنی حفظ خصوصیات سبک و شیوه نگارش، هرگاه ممکن باشد و یا زمانی که این امر بر دیگر ویژگیها تأثیر منفی نداشته باشد، باید رعایت شود. از این رو، ترجمه اساساً تغییر شکل است از نظر لغوی، دستوری و

آوایی؛ به عبارت دیگر، شکل معمولاً قربانی صحت، طبیعی بودن و وضوح پیام می‌شود.

آیا واقعاً به ترجمه نیازی هست؟

از زمانی که نوشتن اختراع شده و در بین ملل مختلف رواج یافته است، ترجمه نقش مهمی را در برقراری ارتباط در بین ملتها ایفا کرده است. اشتیاق به دستیابی به افکار، عقاید و اطلاعات دیگران و شوق به دانستن در مورد نگرشها و رفتارهای فرهنگی، جامعه‌شناختی، سیاسی و احساساتی دیگر ملتها، یادگیری و درک زبانهای آنها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. بنا به گفته بورتن^۱ تا زمانی که نیاز به دانستن در مورد دیگر فرهنگها زیاد است، نیاز به ترجمه نیز زیاد خواهد بود.

سؤال دیگری که به ذهن می‌رسد، این است که حاصل این علم و ترجمه چه خواهد بود و ترجمه به چه میزانی باید باشد؟ بورتن این سؤال را این‌گونه پاسخ می‌دهد: به میزانی که ما نیاز به شناخت خود داریم و تا هنگامی که خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم.

چگونه فردی می‌تواند خود یا جامعه‌اش را ارزیابی نماید، در صورتی که هیچ جامعه دیگری کاملاً برای او شناخته شده نباشد تا بتواند بین خود و آن جامعه مقایسه‌ای داشته باشد. بورتن می‌افزاید: هر چه فرد از دیگر فرهنگها بیشتر بداند، از خود بیشتر آگاهی خواهد داشت.

ترجمه یک فرایند دو طرفه است: از یک فرهنگ به فرهنگهای دیگر و از دیگر فرهنگها به همان فرهنگ؛ به عبارت دیگر، ترجمه یک فرایند بده و بستان است.

آگاهی از فرهنگ جوامع صنعتی و اسرار توسعه و پیشرفت آنها برای توسعه جوامع عقب‌نگهداشته شده یک نیاز و ضرورت است؛ همین آگاهی برای ملت‌های خودباخته و فاسدی که جوامعشان را تهی از اخلاقیات یافته و در دیگر ملت‌های با فرهنگ، اما به اصطلاح کمتر توسعه یافته به دنبال اشباع خود می‌باشند نیز ضرورت دارد.

ایدئولوژیها و فرهنگهای ارزشمند، گرچه توسط آژانسهای فاسد گاهی تحریف و نوع تقلبی آن جایگزین می‌شود، باید در ملت‌های دیگر راه یابد؛ اما نه فقط به میزان آگاه کردن آنها از وجود خود، بلکه برای نشان دادن اینکه یک زندگی سالم چگونه باید هدایت شود. ملت‌ها بدون وجود ترجمه ممکن است از کنار هم عبور کنند، اما فقط تعداد اندکی از آنها از وجود یکدیگر آگاهی پیدا می‌کنند.

تعریف ترجمه و عوامل مؤثر بر آن

نایدا^۱ معتقد است در مورد ترجمه خوب ممکن است تعریف‌های مختلفی وجود داشته باشد، اما او ترجمه خوب را این طور تعریف می‌کند: در ترجمه یک متن، مفهوم و مقصود آن باید در زبان مقصد، متنی را تولید کند که تا حد ممکن معادل متن اصلی آن در زبان مبدأ باشد. با توجه به اینکه این تعادل علاوه بر شکل، در سبک و معنی نیز باید دیده شود، یک ترجمه خوب هرگز نباید بیگانه به نظر آید. با توجه به عوامل زیر و با در نظر گرفتن اینکه عینیت در معادل یابی امکان ندارد، مترجم باید در رعایت تقدم و تأخر، اولویت را به معنی بدهد.

عواملی که رعایت یکسانی سبک و معنی را در دو زبان غیر ممکن می‌سازد، عبارت است از:

الف- زبانهای مختلف در مورد برقراری ارتباط، سبملها و معنی، دارای سیستمهای مختلفی می‌باشند؛

ب- سبملها و مرجعهای آنها دلخواه و قراردادی می‌باشد و ممکن است زبانی ضرورتاً معانی و سبملهای یکسان با زبان دیگر نداشته باشد؛

ج- تجربیات و مسائل جهان به طور متفاوت دسته بندی و با سبملهای مختلفی در زبانهای مختلف نشان داده می‌شود.

با علم به این واقعیتها، شخص درمی‌یابد که در ترجمه متون از زبانی به زبان دیگر، افزودن، حذف و یا تغییر اطلاعات اجتناب ناپذیر است. از یک ترجمه خوب انتظار می‌رود که واحدهای معنایی در زبان مبدأ را اساس کار قرار دهد و آنها را با معادلهايشان در زبان مقصد تطابق بدهد. به عبارت دیگر، میزان اطلاعات دریافت شده از زبان مبدأ را باید عیناً در زبان مقصد جست و نشان داد.

نایدا معتقد است که عبارتهای اصطلاحی، الگوهای معنایی و ساختارهای دستوری، مشکلاتی است که یک مترجم در ترجمه یک متن، بخصوص متون مقدس و مذهبی با آن روبه رو خواهد شد.

مترجم خوب باید از این الگوهای معنایی و دستوری آگاهی داشته و در ترجمه واحدهای معنایی و دستوری متن متبخر باشد و کلام و فحوای آن را همان طور که مردم عصر مربوط به آن متن می‌فهمیدند، درک کند. مترجم باید به آنچه به طور سنتی به آن تفسیر تحت الفظی متون مذهبی می‌گویند، پردازد نه تفسیر به رأی و هرمنوتیک که تفسیر متن با توجه به انطباق آن با جهان امروز است.

طبق نظر نایدا، یک مترجم علاوه بر داشتن علم و درک کافی به زبان مبدأ و مقصد و توانایی ترجمه شفاهی مفاهیم دو متن، باید نوع موضوع مورد ترجمه را نیز خوب بداند؛ از نقش زبانهای مربوط آگاهی داشته باشد؛ درک جامعی از رموز مورد استفاده در آن زبانها داشته باشد؛ سبک و شیوه های نگارش در زبان مقصد را بداند و بر منظور و پیام مؤلف در زبان مبدأ تسلط داشته باشد.

مترجم باید به طور منظم و پیوسته اشکال و تغییرات مورد لزوم را مد نظر قرار دهد و در هر مورد به دنبال یافتن پیام مؤلف باشد و به تناسب آن در زبان مقصد، متن تولید کند. با رعایت این مسائل، ترجمه از نظر سبک و معنی معتبر و دارای بار ارتباطی مناسبی خواهد بود.

هدف نهایی مترجم باید تولید مجدد پیام زبان مبدأ در زبان مقصد باشد. اضافات، تغییرات و اختصارات و حذفها در شرایط معینی ضرورت پیدا می‌کند که در آسان سازی متن ترجمه شده مؤثر واقع شوند.

مشکلات نظری ترجمه

اولین مشکل در ترجمه، چگونگی دستیابی به درک کافی از متن اصلی با تمام پیچیدگیهای آن می باشد. زبانها در نماد ظاهری و نیز مرجعهای نمادها متفاوتند؛ بنابراین مترجم برای درک و تصویر متن اصلی باید یک بررسی و مطالعه جامع از متن و مقصود و ظرفیت معنایی آن و قابلیت استفاده بالقوه زبان مربوط داشته باشد. مترجم باید درک و صلاحیت ترجمه‌ای داشته باشد تا براساس آن، متن با تمام پیچیدگیهای معنایی، لغوی و آواشناسی زبان مبدأ و سبک و سیاق زبان مقصد کاملاً درک شود.

مشکل دوم به عدم کارآیی و تسلط مترجم بر زبان مقصد و چگونگی به کارگیری آن مربوط می باشد. تکلم به زبان مادری به هیچ وجه برای ترجمه کردن کافی نیست. این صحیح نیست که تصور کنیم فردی صرفاً به خاطر آشنا بودن به زبانی بتواند از آن زبان به زبان دیگر و بالعکس ترجمه کند. علم و آگاهی جامع در مورد سبک و نگارش و تفاوت‌های لهجه ای، اختلافات فرهنگی و زمینه‌های نژادی و سنتی و نیز آشنایی با تفکرات و انتظارات روانشناسی اجتماعی جامعه مربوط، شرط اساسی در ادعای مترجم بودن است.

مشکل سوم، روش‌های به کار رفته در دو مرحله قبلی، یعنی درک متن زبان مبدأ و کاربرد آن در زبان مقصد می باشد. عدم تعادل و توازن معنایی، لغوی و ساختاری در بین زبانها، انتقال صحیح پیام را دچار نقصان می کند و یا در برخی موارد و آن را از بین می برد.

با توجه به تفاوت‌های موجود، هیچ ترجمه کاملاً دقیقی بین دو زبان وجود نخواهد داشت. آنچه می توان توقع داشت، صرفاً ترجمه نزدیک و تقریبی است. میزان شباهت بین سیستم‌های دو زبان، کارایی و سودمندی ترجمه را تعیین می کند؛ به عبارت دیگر، میزان این نزدیکی به میزان جدی بودن اختلافات بین زبانها بستگی دارد.

در ترجمه کتابهای مقدس و متون مذهبی، اختلافات موجود در دو زبان به صورتهای زیر نمایان می شود:

الف- ممکن است اجزایی در زبان مبدأ باشد که در زبان مقصد یافت نشود؛

ب- دو زبان ممکن است دارای ساختارهای مشابه، اما با نقشهای متفاوتی باشد؛

- ج- اجزای زبان مبدأ و مقصد ممکن است مشابه هم باشد، اما دارای تعداد و کیفیت یکسانی نباشد؛
- د- اشکال زبان مبدأ و مقصد ممکن است یکسان باشد، اما از نظر معنی کاملاً متفاوت باشد.

مشکلات لغوی ترجمه

انسانها در مواجهه با جهان واقعی، احساسات و عواطف را تجربه می‌کنند و نسبت به آنها عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر، عوامل غیر زبانی دائماً بر انسان تأثیر می‌گذارد و انسانها نسبت به این محرکها از طریق پاسخهای فیزیکی و شفاهی عکس‌العمل نشان می‌دهند.

انسانها نیازمندند تا احساسات و عواطف شان را نشان بدهند و برای این منظور به کلمات نیاز دارند. ارتباطات قراردادی بین تمام یا بخشهایی از تجربیات در جهان واقعیت و سمبلهای شفاهی و خطی، ناهماهنگی بین اشکال و مفاهیم در درون زبانهای مختلف را باعث می‌شود. در واقع کلمات معینی در هر زبان وجود دارد که به طور ناقص با کلمات دیگر زبانها انطباق پیدا می‌کند. کلمات مقوله‌هایی هستند که به اشیا و مفاهیم دلالت می‌کنند. اگر مفاهیم یکسان نیستند، پس کلمات نیز نمی‌توانند حتی در دو لهجه یک زبان جایگزین یکدیگر شوند تا چه رسد به دو زبان.

مشکلات ساختاری ترجمه

نایدا در کتاب ساختار زبان و ترجمه بحث می کند که هیچ گاه نمی توان در دو زبان سیستمهای ساختاری دقیقاً یکسانی یافت که بر مبنای آنها سبملها بر اساس انطباق یک به یک به معانی مرتبط شوند.

به عبارت دیگر در حالی که ممکن است مرجعهای انسانها در زبانهای مختلف جهان مشترک و مفاهیم نسبتاً همسان باشد، اما آنچه دو زبان را از یکدیگر متمایز می سازد، سیستمهای ساماندهی سازه های دستوری آنهاست. تمامی زبانها کارکرد عبارتهای اسمی، وقوع حروف تعریف و عبارتهای اضافی را به صورت مرتبط و وابسته به هم نشان می دهند؛ اما تفاوتهایی در توزیع صوری آنها قائل می شوند. این تفاوتها در مقوله های زیر رخ می دهند:

الف- دسته بندی کلمات؛

ب- روابط دستوری؛

ج- نظم و ترتیب کلمات؛

د- سبک؛

ه- کاربرد معنایی.

ویژگیهای یک ترجمه خوب

دریک ترجمه خوب، مطابق با نظریات زبانشناسان، موارد زیر باید رعایت شود:

۱- انتقال دقیق و کامل مفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد؛

۲- انتقال و بازآوری دو طرفه در هر دو زبان؛

۳- ترجمه باید خود همانند متن اصلی وانمود شود؛

- ۴- تولید طبیعی ترین و نزدیکترین معادل پیام زبان مبدأ در زبان مقصد نخست از نظر معنی و بعد از نظر سبک؛
- ۵- انتخاب و باز سازی ارزشهای پیام مؤلف؛
- ۶- امانتداری در انتقال محتوا و شکل متن از زبانی به زبان دیگر؛
- ۷- فصاحت کافی در بازآوری و انتقال مطلب در زبان مقصد، مطابق با شکل اصلی آن در زبان مبدأ؛
- ۸- حفظ شکل و تصویر متن زبان مبدأ؛
- ۹- نمایش کامل و تصویر مناسب اندیشه مؤلف و شخصیت خلاق او.

ویژگیهای مترجم خوب

یک مترجم خوب باید دارای ویژگیهای زیر باشد:

- ۱- خلاقیت؛
- ۲- پرداختن به کار ترجمه، بدون تحت تأثیر شخصیت خود قرار گرفتن؛
- ۳- شناخت ویژگیهای اساسی مؤلف و تا حد ممکن نشان دادن آنها در ترجمه؛
- ۴- امانتدار بودن؛
- ۵- نشان دادن طبع شعری در ترجمه شعر؛
- ۶- آشنایی با روشها و تئوریهای ترجمه؛
- ۷- دارا بودن دانش و آگاهی از حداقل دو زبان مربوط؛
- ۸- داشتن علم و آشنایی کافی به موضوع؛
- ۹- داشتن علم و آگاهی از دو فرهنگ مربوط به دو جامعه زبانی مبدأ و مقصد؛
- ۱۰- ثابت قدم بودن در کاربرد سبک، لهجه و لغت؛

- ۱۱- آشنایی با اختلافات لهجه‌ای و محلی در دو زبان؛
- ۱۲- آشنایی کامل با اصطلاحات و چگونگی کاربرد آنها، به عنوان پلی برای انتقال و تقویت پیام ترجمه شده؛
- ۱۳- صلاحیت داشتن در زمینه و موضوعی که ترجمه می‌کند؛
- ۱۴- آگاهی از تحلیل زبانشناختی و قدرت درک تفاوت‌های زبانها و نیز قدرت بالقوه زبانها در انتقال پیامها؛
- ۱۵- آشنایی با خواص عمومی معنایی، ساختاری و لغوی؛
- ۱۶- داشتن آگاهی و تخصص در فرهنگ خود؛
- ۱۷- آشنایی با تاریخ، دین، زندگی اجتماعی و آداب و رسوم مردمی که متن یا کتاب به زبان آنها نوشته می‌شود؛
- ۱۸- داوری هنرمندانه و داشتن قدرت تصمیم‌گیری مناسب در موقعیتهای بحرانی؛
- ۱۹- عشق ورزیدن به حرفه خود؛
- ۲۰- توانایی در شناخت اختلافات سبک شعر و نثر در دو زبان و تفاوت بین آنها؛
- ۲۱- بهبود بخشیدن توانایی نگارش خود در زبان مقصد در صورت نیاز؛
- ۲۲- بهبود بخشیدن دانش عمومی خود به طور پیوسته، از طریق خواندن متون مربوط؛
- ۲۳- آشنایی با منطق که او را در ارزیابی ارزشهای واقعی متن مورد ترجمه کمک می‌کند؛
- ۲۴- با هوش و حساس بودن؛
- ۲۵- آشنایی نسبی با موضوعات فلسفی، ادبی و عرفانی در ترجمه متون مربوط.

قرآن کریم چگونه متنی است ؟

قرآن تنها یک متن نیست، بلکه کلام با روح و زنده خداوند است و مفاهیم آن را نمی‌توان تفسیر به رأی کرد؛ زیرا مؤلف این متن، یعنی خدای متعال، با بیان آیات قرآن منظور و خواست خود را به پیامبر اکرم ابلاغ فرموده است. پس منظور و مقصود کلام و متن قرآن همان منظور و خواست خداوند است.

با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش نیاز به ترجمه درمی‌یابیم که ملتها و فرهنگهای دیگر برای آشنایی با دین مبین اسلام و فرهنگ آن و آگاهی از مفاد و آموزشها و دستوره‌های آن، به ترجمه قرآن کریم نیاز دارند. زبان انگلیسی گسترده‌ترین زبان در سطح جهان است که ملتها، اندیشمندان و سیاستمداران انگلیسی زبان در سراسر دنیا برای دستیابی به محتوای قرآن نیاز به ترجمه آن نیاز دارند؛ اما در ترجمه قرآن مسائل و نکات بسیار مهمی باید مورد توجه قرار گیرد تا مفاهیم آن همان طور که در ابتدا آمده و منظور خداوند بوده است، بدون کم و کاست ترجمه و به زبان دیگر منتقل شود. اهم این نکات عبارت است از :

الف- علم و آگاهی کامل نسبت به زبان مبدأ، یعنی عربی؛

ب- علم و آگاهی کامل نسبت به زبان مقصد، یعنی انگلیسی؛

ج- فهم و درک کامل از دین اسلام و زبان خاص قرآن کریم.

زیرا همان طور که گفته شد، قرآن به عنوان یک کتاب و متن مقدس مذهبی دارای اصطلاحات و الگوهای معنایی و ساختارهای دستوری خاصی است که مترجم باید محتوای کلام آن را همان طور که مسلمانان و عرب زبانان می‌فهمند، درک کند؛ نه آنکه بنا به تفسیر و درک شخصی خود آن را ترجمه نماید. مترجم باید با توجه به ویژگیهای معرفی شده در مورد او و با رعایت ویژگیها و مؤلفه‌های

ترجمه خوب قادر باشد پیام مؤلف را ابتدا به طور صحیح درک و سپس تلاش کند معادلهای مناسبی برای آنها در زبان انگلیسی بیابد و تا حد امکان با رعایت سبک و شیوه نگارش قرآن، به تناسب آن در زبان مقصد متنی بیافریند که از نظر سبک و معنی معتبر باشد و یک خواننده انگلیسی زبان از خواندن آن همان مطلب را بفهمد که یک مسلمان و عرب زبان می فهمد؛ در غیر این صورت یکی از مهمترین اصول ترجمه، یعنی امانت ترجمه نادیده گرفته شده است.

در ترجمه، نکات بسیاری از نظر ساختاری، دستوری و معنایی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. این نکات در ترجمه قرآن کریم نیز باید مد نظر قرار گیرند که عبارت است از:

۱- کلمات تلویحی و ضمنی

در ترجمه متن عربی قرآن به انگلیسی، برخی کلمات با ساختارهای معینی به صورت ضمنی رها شده و بیان نمی شود؛ مانند ترجمه کلمه «ما» (All that)

یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض (All that is in the heavens and the earth)

۲- کلمات زاید

کلماتی که در ترجمه می توان آنها را حذف کرد، بدون اینکه به اطلاعات متن اصلی لطمه وارد شود؛ برای مثال:

یا ایها الذین آمنو (O true believers)

۳- تطابق معنایی

این تغییرات بیشتر در حوزه اصطلاحات، معانی مجازی و تمثیلی، معانی خاص و بسط و کاهش معانی رخ می‌دهد؛ زیرا گاهی مترجم مجبور می‌شود به منظور حفظ معنی و محتوا شکل را تغییر دهد که البته در این مسأله گاهی نقصان معنایی پیش می‌آید؛ لکن باید سعی شود این نقصان به حداقل برسد.

کاهش^۱: (اولئك الذين كفروا)

بسط^۲: متقیان

۴- کلمات تأکید

این کلمات در بعضی جملات ظاهر می‌شوند و بر نکته خاصی تأکید دارند؛ برای مثال؛

انّ - ائما (surely, certainly)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- حروف تأکید (surely, certainly)

این حروف بر سر بعضی کلمات و یا در آخر آنها می‌آید و تأکید را می‌رساند مانند «لَ - نَّ» در کلمه «لینبذن»

۶- تطابق ساختاری

برخی از تغییرات ساختاری در ترجمه به منظور اجتناب از ابهام و کج فهمی ضرورت پیدا می کنند. تغییرات ساختاری بر تمام ساختار زبانشناسی، یعنی از کلام تا صدا تأثیر می گذارد و در چهار سطح زیر واقع می شود:

الف- ساختار کلام، مانند نقل قول مستقیم و غیر مستقیم، ترتیب زمانها و غیره؛
ب- ساختار جمله، مانند نظم کلمه و عبارت، تطابق مفرد و جمع، ساختار معلوم و مجهول و غیره؛

ج- ساختار کلمه، مانند گروه های دستوری کلمات و مقوله های کلمه سازی؛
د- صداهاى مربوط، مانند ساختار آوایی زبان مقصد، کلمات عاریه ای، اسامی خاص و غیره.

۷- حروف ربط و عطف

در زبان عربی چهار نوع واو (و) به کار می رود: *ربطی*
الف- حرف ربط، مانند «و» در عبارت: «آمنا بالله و بالیوم الآخر»؛
ب- حرف عطف مانند «و» در عبارت: «آمنا بالله و بالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین»

ج- حرف قسم مانند «و» در عبارت: «والعصر ان الانسان لفی خسر»
د- حرف شروع مانند «و» در عبارت: «و من الناس من یقول» ...

۸- اطلاعات پنهان و آشکار

برخی از اطلاعات پنهان ممکن است در ترجمه ظاهر شود تا ترجمه قابل فهمتر و واضحتر شود؛ برای مثال:

فرقان

Discrimination (between right and wrong)

۹- سؤالات تأکیدی

در زبان عربی و نیز قرآن کریم سؤالات بسیاری وجود دارند که هدف از آنها تأکید بر مطلبی می باشد، نه سؤال در مورد آن؛ برای مثال:

أ أنتم تخلقونه ام نحن الخالقون (Is it you that create it or are we the creators?)

۱۰- شخصیت پردازی

در زبان قرآن گاه به یک چیز بیجان یا یک مفهوم انتزاعی، مانند یک موجود زنده شخصیت داده شده و راجع به آن صحبت می شود؛ برای مثال:

جاء الحق و ذهب الباطل (The Truth has come , and falsehood has vanished away)

۱۱- طعنه

طعنه نوعی بیان است که در قرآن به کار می رود و معنی، مخالف ظاهر آن مورد نظر است؛ برای مثال:

فبشرهم بعذاب الیم (Give them the good news of a painful chastisement)

نقد و بررسی

در این قسمت از مقاله، نگارنده برای یافتن معانی صحیح آیات و کلمات قرآنی، تفسیر المیزان را مطالعه و برای نمونه، آنها را با ترجمه های مختلف برخی آیات قرآن مقایسه نموده و نواقص و نارسایی های موجود در ترجمه های انگلیسی قرآن کریم را به همراه ذکر مثال ذکر کرده است.

- بسم الله الرحمن الرحيم

در عبارت فوق، الرحمن و الرحيم هر دو از ریشه «رحم» می باشد. الرحمن - که قبل از الرحيم آمده - صیغه مبالغه است و بر بخشنده گی عام و فراگیر خداوند دلالت دارد که مختص همه بندگان در این دنیا است؛ اما «الرحيم» صفت مشبهه است که بر دوام و استمرار دلالت دارد و مختص گروهی خاص، یعنی مؤمنین در آخرت می باشد و در آیه در مرحله دوم - پس از الرحمن - آمده است؛ اما در ترجمه های انگلیسی این آیه، از کلمات Merciful و Beneficent و Compassionate استفاده شده است که هیچ کدام خصوصیت توضیح داده شده را دارا نمی باشد و جابه جا کردن آنها نیز اشکالی ایجاد نمی کند؛ در صورتی که در آیه قرآن نمی توان الرحمن و الرحيم را جابه جا کرد.

- الحمد لله

در این عبارت «ال» علاوه بر حرف تعریف، به معنی این است که تمام حمد و هر چه حمد و ستایش در عالم واقع می شود، خاص خداوند است و به او برمی گردد که در ترجمه آربری و سیل در نمونه های زیر این مطلب فهمیده نمی شود.

Arbery : Praise belongs
Sale : Praise be
Shaker : All praise is du

- رب العالمین

در این عبارت، منظور از «عالمین» - که تشبیه ملحق به جمع است - منظور از عالم، انسان یا جن و انس و اجتماعات آنها می باشند؛ در نمونه های زیر ترجمه ها نارساست.

Arbery : *All being*
 Sale : *All creatures*
 Shaker : *The worlds*

- مالک یوم الدین

منظور از مالک در این عبارت، سلطان و حاکم است که در ترجمه های اول و سوم این مفهوم استنباط نمی شود.

Arbery : *The Master*
 Sale : *The King*
 Shaker : *Master*

- یتلوعلیهم آیاته

در این عبارت که در سوره جمعه آمده، منظور از «آیاته» قرآن است که در ترجمه اول و دوم این معنی استنباط نمی شود. بهتر است از معادل Quranic Verses به جای آیاته استفاده شود.

Arbery : *signs*
 Sale : *signs*
 Shaker : *communications*

- و يعلمهم الكتاب والحكمه

کلمه «کتاب» در این آیه همان قرآن است که در ترجمه دوم بغلط کلمه Scriptures و به صورت جمع آورده شده و در دو ترجمه دیگر از کلمه Book استفاده شده است؛ در صورتی که اگر مترجم، مفهوم دقیق کلمه کتاب را می دانست، بهتر بود از خود کلمه Quran برای آن استفاده می کرد.

Arbery : *The Book*
 Sale : *The Scriptures*
 Shaker : *The Book*

- الذین یؤمنون بالغیب

آیه دوم سوره بقره است که در آن کلمه «غیب» به معنی خدا و آیات او می باشد؛ در صورتی که در ترجمه ها از کلمه Unseen استفاده شده است که به هر چیز نادیدنی اطلاق می شود. بهتر است در ترجمه ها پس از کلمه Unseen در پرانتز با کلماتی نظیر - خدا و آیات او - God and His Signs توضیح داده شود.

Arbery : *The Unseen*
 Sale : *The Unseen*
 Shaker : *The Unseen*

- یهدی للتی هی اقوم

آیه نهم سوره اسراء است که در آن کلمه «اقوم»، به معنی معتدلترین حالت تسلط انسان بر احوال خویش است و در این آیه، یعنی مسلط ترین دین بر اداره امور.

معادلهای استفاده شده در ترجمه‌ها مفهوم دقیق و واقعی اقوم را تداعی نمی‌کند و بهتر است از معادل *most Masterful* برای آن استفاده شود.

Arbery : *straightest*
 Sale : *most upright*
 Shaker : *most upright*

- یجعل لکم فرقاناً

آیه ۲۹ از سوره انفال است که در آن «فرقان» یعنی قدرت تشخیص و تمیز کلی حق از باطل در سه حوزه اعتقادی، عملی و نظری. ترجمه اول و دوم، مفهوم فرقان را نمی‌رسانند و ترجمه سوم نیز نارساست که با افزودن عبارت *between truth and falsehood* بعد از آن، ترجمه مناسبتر خواهد بود.

Arbery : *salvation*
 Sale : *deliverance*
 Shaker : *distinction*

- ان الله عنده علم الساعة

آیه ۳۴ از سوره لقمان است که در آن کلمه «الساعة» به معنی قیامت و زمان وقوع آن است. هر سه مترجم آن را به *hour* ترجمه کرده‌اند که مفهوم فوق را ندارد. می‌توان به جای «الساعة» از عبارتی مانند: *resurrection and the time of its occurrence* استفاده کرد.

Arbery : *The Hour*
 Sale : *The Hour*
 Shaker : *The hour*

- و ندخلهم ظللاً ظليلاً

آیه ۵۷ از سوره نساء است که در آن عبارت «ظللاً ظليلاً» یعنی سایه رحمت ابدی خداوند. هر سه ترجمه ناقص و نادرست است. به جای آن می توان از معادل everlasting-Mercy استفاده کرد.

Arbery : *plenteous shade*
 Sale : *shady shade*
 Shaker : *dense shade*

- ان الله تواب رحيم

این آیه، آیه ۱۲ از سوره لقمان است که در آن کلمه «تواب» یعنی بسیار مراجعه کننده به بنده. ترجمه دوم غلط و ترجمه اول و سوم ناقص است. برای کلمه تواب بهتر است از معادل ever-returning استفاده شود.

Arbery : *Turns*
 Sale : *relentant*
 Shaker : *oft-returnin*

- كمثل جنة بربوه

این آیه ۲۶۵ از سوره بقره است که در آن کلمه «ربوه» به معنی زمین حاصلخیز می باشد. هر سه ترجمه زیر غلط و نارساست. برای کلمه ربوه می توان از معادل productive land استفاده کرد.

Arbery : *hill*
 Sale : *height*
 Shaker : *elevated ground*

نتیجه

با توجه به مثالهای فوق و نمونه های بسیار زیادی که از حوصله این مقاله خارج است و نظر به انتخاب معادلهای نامناسب و گاه غلط برای کلمات قرآن از طرف مترجمان درمی یابیم که در ترجمه قرآن کریم به انگلیسی، اغلب مترجمان، اشتباهات آشکاری مرتکب شده‌اند. این اشتباهات نشانگر این است که مترجمان در درک قرآن و مفاهیم آن کوتاهی کرده یا از درک آن عاجز بوده اند. لذا پیشنهاد می گردد اساتید محترم علوم قرآن و زبانشناسی و مترجمی زبان با همکاری یکدیگر در اصلاح ترجمه قرآن کریم همت گمارند و یا متخصصان فوق در مرکزی گرد آیند و با توجه به مفاهیم عمیق و واقعی کلمات قرآن کریم، به ترجمه آن به زبان انگلیسی پردازند تا از قلب و تحریف مفاهیم آن در زبان انگلیسی جلوگیری به عمل آید و ترجمه‌های قرآن، همان معانی و مفاهیم اصلی خود را به خوانندگان انگلیسی زبان در سراسر جهان منتقل نماید.

منابع

قرآن کریم

طباطبایی، استاد علامه سید محمد حسین. تفسیر المیزان. قم نشریناد علمی و فکری علامه طباطبایی. ۱۳۶۳

Arbery, A.J. (1972). *The Quran interpreted*. London: Oxford University Press
 Burton, Raffle. (1973). *Whyre-create? : A conversation about translations with Burton Raffle*. San Francisco. Chandler and Sharp Publishers

Nida, Eugene A. (1964). *Towards a science of translation, with special reference to principles and procedures involved in Bible translating*. Brill. Leiden
 Nida, Eugene A. and Taber, Charles R. (1969). *Theory and practice of translation*. Brill. Leiden:

structure and ranslation : essays of Nida , Eugene A. (1975). *Language structure and translation : essays of Nida*. Stanford University Press.

Manafi Anari, Salar.(2000 =1379). **An approach to English translation of Islamic texts**(1). Tehran The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT).

Miremadi,Seyed Ali (1991=1370).**Teories of translation and interpretation**. Ghom: Mehr Press .

Mollanazar, Hussein (1999=1378). **Principles and methodology of Translation** Tehran: The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT) .

Sale, George. **The Quran**(translated into English). London.

Shakir, M.H.**The Holy Quran** (translated into English). Tehran: Ismailian Publication.

